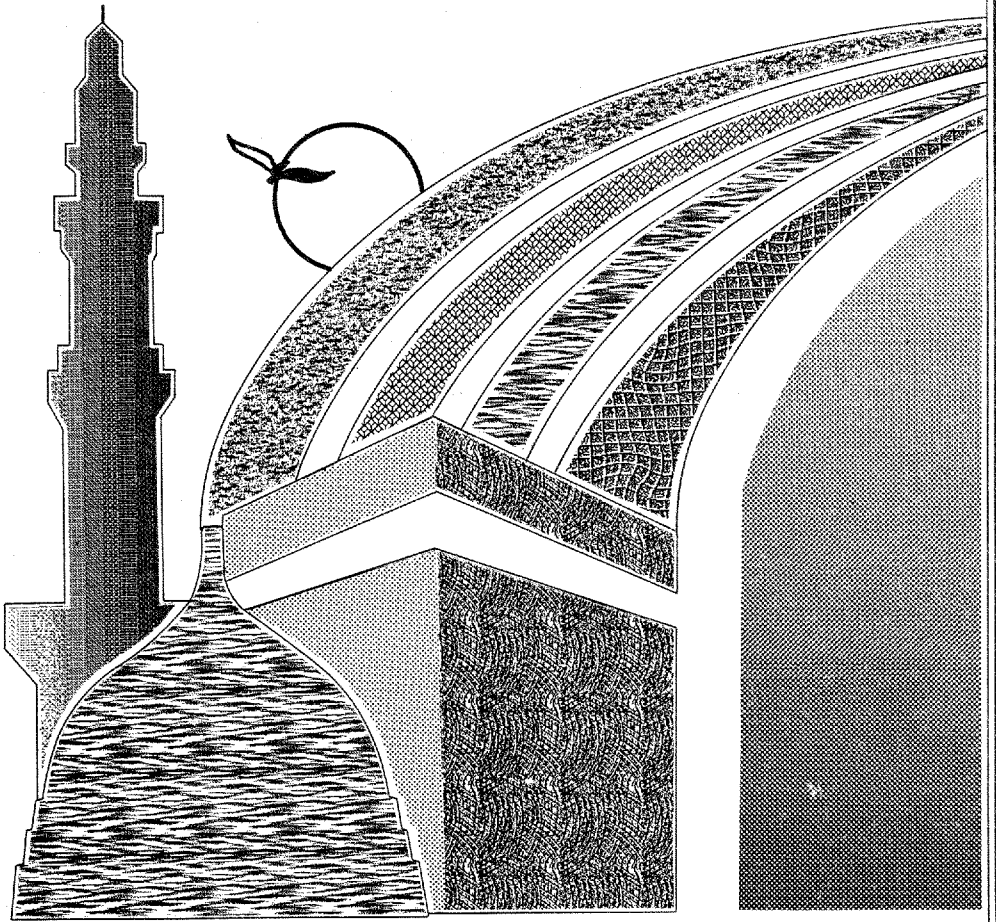
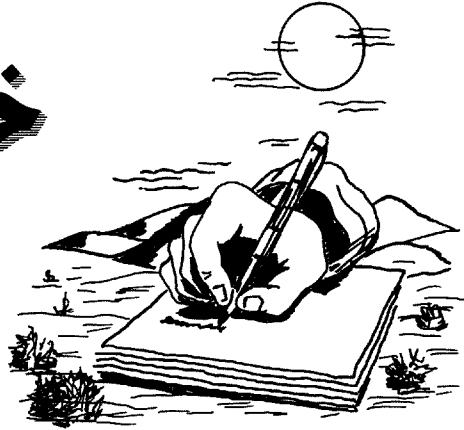


# فاطمة



# خاطرات



محمد محمدی ری شهری

خوانندگان عزیز این نوشتار می‌گذرد، حاصل چند مصاحبه است که در سالهای قبل صورت گرفته و پس از اصلاحات و بازنویسی ارائه می‌گردد. امیدوارم در آینده توفیق تکمیل آن حاصل گردد.

**هدف از تاریخ‌نگاری در اسلام**  
پیش از ورود به متن خاطرات حج، لازم می‌دانم اشاره کوتاهی داشته باشم به بیان هدف از این اقدام، بلکه هدف از تاریخ‌نگاری در اسلام. براساس رهنمود قرآن کریم، هدف از ثبت و ضبط و بازگو کردن وقایع تاریخی، عبرت آموختن اهل

در مقدمه کتاب «سیمای حج در سال ۱۳۷۰» وعده دادم که خاطرات شخصی خود (درباره حج) را تدوین کنم. اما متأسفانه به دلیل تراکم کار توفیق نیافتم، تا هنگامی که پیشنهاد شد اگر نمی‌توانم خاطرات خود را به صورت مکتوب ارائه کنم، آنها را به صورت مصاحبه مطرح نمایم. ابتدا نپذیرفتم لیکن اندکی بعد دیدم اگر پیشنهاد مصاحبه را نپذیرم، هیچ‌گاه توفیق تدوین خاطرات حج را پیدا نمی‌کنم و مانند بسیاری از مسایل دیگر، فراموش می‌شوند. از این رو، گزارش خاطرات حج را به صورت شفاهی آغاز کردم. آنچه هم‌اکنون از نظر

گوناگون سازندگی مادی و معنوی، در اختیار انسانها قرار داده و خواهد داد.

### بزرگترین درس تاریخ انقلاب

بزرگترین درس تاریخ انقلاب اسلامی ایران، توحید تجربی است. من با همه حجابهایی که بر دیده دل دارم، بارها و بارها توحید را در تاریخ انقلاب تجربه کرده‌ام و خدای توانا و علیم و حکیم را به روشنی در لابه‌لای حوادث عبرت‌آمیز تاریخ انقلاب اسلامی ایران، مشاهده کرده‌ام. شایسته است تاریخ نگارانی که بی‌حجاب بر این حوادث می‌نگرند، درسهای بزرگ و آموزنده تاریخ انقلاب را برای آیندگان بازگو نمایند. مع‌الاسف تاکنون - تا آنجا که من می‌دانم - هیچ گونه اقدام جدی در راستای تدوین تاریخ انقلاب اسلامی با این هدف، صورت نگرفته است و در واقع فلسفه تاریخ انقلاب اسلامی ایران، تاکنون نگارش نیافته و ظاهراً در دستور کار هیچ نهادی هم نیست.

در بیان خاطرات حج، من سعی می‌کنم بر تجربه‌ها و عبرت‌ها تکیه کنم، و همه آنچه را که می‌تواند برای دیگران آموزنده باشد و یا در مدیریت‌های فرهنگی و اجرایی مورد بهره‌برداری قرار گیرد، بازگو نمایم.

خرد است:

«لقد كان في قصصهم عبرة لأولی  
الالباب»<sup>۱</sup>

کلمه «عبرت» در اصل به معنای عبورکردن از حالی به حال دیگر است. پندگرفتن از سرگذشت دیگران را «عبرت» گویند؛ چون اندیشه می‌تواند از شناخت حوادث زندگی آنان، عبور کند و سرنوشت کسانی را که مشابه آنان عمل می‌کنند، پیش‌بینی نماید.

تاریخ گذشتگان، آیینه عبرت برای آیندگان است. تاریخ، عوامل پیروزی و شکست و راز و رمز کامیابی‌ها و ناکامی‌ها را در اختیار انسان می‌گذارد. خاطرات آموزنده تاریخی، تجربیات ارزنده‌ای است که می‌تواند به سازندگی و رشد و بالندگی آیندگان کمک کند.

### تجربیات تاریخ انقلاب اسلامی ایران

تاریخ انقلاب اسلامی ایران، سراسر تجربه و درس و عبرت است. به استثنای تاریخ صدر اسلام، تحقیقاً هیچ انقلابی به اندازه انقلاب اسلامی ایران برای جامعه انسانی آموزنده نبوده است. تاریخ انقلاب اسلامی تجربه‌های گرانبهایی را در ابعاد

## نخستین سرپرست حجاج ایرانی

اهمیت برگزاری فریضه حج با ابعادی که امام راحل ترسیم کرده بود، به ویژه پس از حادثه دردناک حج خونین سال ۶۶ء و نیز شرایط سیاسی کشور پس از رحلت امام علیه السلام، ایجاب می‌کرد که شخصیت ممتاز یادگار امام برای اداره امور حج انتخاب شود، و لذا مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۷۰/۱/۱۷ (برابر با بیستم رمضان ۱۴۱۱) طی حکمی ایشان را به سمت نمایندگی خود و سرپرست حجاج ایرانی منصوب فرمودند. در متن حکم ایشان می‌خوانیم: «حضور جناب عالی که یادگار عزیز و گرانقدر امام المجاهدین و خود از شخصیت‌های برجسته انقلاب اسلامی و دارای مواضع راسخ و روشن در مقابله با توطئه‌ها و ترفندهای استکباری می‌باشید، به حجاج کشورهای اسلامی این امکان را خواهد بخشید که سیاست الهی و بحق جمهوری اسلامی را بی‌واسطه از زبان یکی از برگزیدگان این نظام بشنوند و از رهنمود جمهوری اسلامی در حوادث پیچیده دنیای کنونی و منطقه اسلامی مطلع شوند».

انتشار خبر این انتصاب، شور و هیجانی در داخل و بازتاب‌های گوناگونی در خارج از کشور در پی داشت. رهبر عزیز

انقلاب با این انتخاب و با تأکید بر مواضع اصولی حضرت امام علیه السلام نشان دادند که نظام جمهوری اسلامی همواره بر مواضع ارزشی و انقلابی خود وفادار و استوار است.

## استعفای حاج احمد آقا از سرپرستی حجاج

چند روز پس از این انتصاب، شایعه استعفای حاج احمد آقا از مسئولیت سرپرستی حجاج، بر سر زبانها افتاد که تحلیلهای سیاسی گوناگونی را به دنبال داشت؛ زیرا ایشان فقط یک هفته پس از صدور حکم مقام معظم رهبری، طی نامه‌ای که بعدها منتشر شد، از مسئولیت خدمتگزاری حجاج پوزش خواسته بود! متن نامه وی بدین شرح است:

باسمه تعالی

حضور محترم رهبر بزرگوار انقلاب، حضرت آیه الله خامنه‌ای «دامت برکاته»  
با عرص سلام و تحیت  
خدا را شکر می‌کنم که مورد لطف و محبت آن عزیز قرار گرفتم و من را به نمایندگی خود و خدمتگزاری حجاج بیت‌الله الحرام منصوب فرمودید. پس از صدور حکم، با کمال شوق، کار را دنبال نمودم و پیشرفت‌هایی هم در بعضی

### پیشنهاد سرپرستی حجاج

در ۱۳۷۰/۱/۲۴ (برابر با ۲۷ رمضان المبارک ۱۴۱۱) ریاست محترم دفتر مقام معظم رهبری مرا به دفتر دعوت کرد و پیام معظم‌له را در ارتباط با سرپرستی حجاج با این مقدمه ابلاغ نمود که «حاج احمد آقا با این عذر که مادر ایشان با انتخاب او به عنوان سرپرست حجاج موافق نیست، کتباً استعفای خود را از این مسئولیت اعلام کرده است؛ لذا مقام معظم رهبری فرمودند: «شما بروید و برای امور مربوط به بعثت رهبری برنامه‌ریزی کنید.» لیکن فعلاً این موضوع را با کسی در میان نگذارید، شاید مسئولیت سرپرستی حجاج به شما واگذار شود».

این پیشنهاد غیرمنتظره، در شرایط سیاسی آن روز، پرسشهای مختلفی را پیش روی من قرار داد. اولین سؤال این بود که علت اینکه حاج احمد آقا مسئولیت سرپرستی حجاج را پذیرفت و پس از چند روز استعفا داد چیست؟ آیا واقعاً ناراضی‌تی مادر، دلیل استعفای اوست؟ بعید به نظر می‌رسید که چنین باشد. آیا می‌توان کاری کرد که حاج احمد آقا استعفای خود را پس بگیرد؟ آیا در شرایطی که ایشان استعفا داده، پذیرفتن مسئولیت از سوی من

زمینه‌ها حاصل شد.

ولی امروز در ملاقات با مادر بزرگوaram با مسأله‌ای مواجه شدم که تنها فرد را رهبر عزیزم دانستم تا موضوع را با او در میان بگذارم، چرا که جناب‌عالی همیشه نسبت به خانواده حضرت امام علیه السلام محبت داشته‌اید.

والدۀ مریضم به جد دستور فرمودند تا از این سفر منصرف شده، در کنارشان باشم. از آن حضرت درخواست می‌نمایم در صورتی که اجازه فرمایید، خواست والدۀ مکرمه را بر مسئولیت جدید، مقدم دارم و از این سفر روحانی و خدمت مورد علاقه‌ام، به خاطر مادر رنج‌دیده‌ام چشم‌پوشم. البته خود را موظف می‌دانم تا همیشه در خدمت انقلاب و اسلام و رهبری معظم باشد.

خداوند به جناب عالی طول عمر بابرکت مرحمت فرماید.

احمد خمینی

۱۳۷۰/۱/۲۳

مجدداً موجی از تحلیل و تفسیرهای عمدتاً نادرست، فضای خبری پیرامون حج را فرا گرفت، ولی واقع مطلب این بود که این حادثه تدبیری بود الهی برای تحقق تقدیری دیگر.<sup>۲</sup>

درست است؟

از همه اینها که بگذریم، آیا پس از حادثه خونین حج ۶۶ و توقف سه ساله حج، امکان برگزاری حجی آبرومند و با ویژگی‌هایی که امام می‌خواست، وجود دارد؟ بسیاری از کسانی که در امر حج صاحب‌نظر بودند، نمی‌توانستند باور کنند که با در نظر آوردن حوادث سال ۶۶ و در شرایط موجود که آمریکا در منطقه و در خاک حجاز حضور نظامی دارد، امکان برگزاری حجی آبرومند و با محتوایی که امام ترسیم کرده، وجود داشته باشد.

بی‌تردید شکست من در این مأموریت، زیانهای سنگینی را متوجه حیثیت جمهوری اسلامی می‌کرد و مسئولیت مستقیم این شکست، با من بود. پذیرفتن این مسئولیت در آن شرایط، واقعاً یک ریسک بزرگ و یا یک قمار خطرناک بود.

گفتمی است که در شب قدری از همان ماه مبارک رمضان، از خداوند متعال درخواست کرده بودم موفق به انجام حج شوم؛ لیکن حج با خصوصیتی که من از خدا خواستم، به نظر می‌رسید که با مسئولیت سنگین سرپرستی حجاج، نمی‌توانست توأم باشد.

باری، تصمیم‌گیری و پذیرفتن پیشنهاد مذکور مشکل بود. از این رو، بر اساس درسی که از حکمت لقمان آموخته بودم<sup>۳</sup> پاسخ دادم: اگر تکلیف است، حرفی ندارم و اگر انتخاب است، این مسئولیت به دیگری واگذار شود.

و در توضیح علت نپذیرفتن، ضمن ارائه برخی دلایل، گفتم: حداقل برای پذیرفتن این مسئولیت باید فکر کنم، و اگر نظر این است که باید فوراً پاسخ دهم، لازم است با خداوند مشورت کنم و از قرآن راهنمایی بخواهم.

گفتند این اقدام از سوی ایشان انجام شده و آیه کریمه «یدم ندعوا کلّ اناس بامامهم...»<sup>۴</sup> پاسخ طلب خیر بوده است. گفتم: به هر حال نظر من همان است که اگر تکلیف است می‌پذیرم والا فلا.

موضوع به مقام معظم رهبری منتقل شد؛ پیام این بود که «من که نمی‌توانم همه کارها را خود انجام دهم. باید برای انجام این کار کمک کنید؛ خصوصاً در شرایطی که با استعفای حاج احمد آقا پیش آمده است».

تکلیف، جایی برای تردید باقی نگذاشت و بدین ترتیب، فصل جدیدی در مسئولیت‌های این جانب آغاز شد.

حادثه‌ای برای مادرم پیش بیاید، برای رهبری خوب نیست. امام علیه السلام یک روز قبل از وفات، دست مادرم را گرفت و در دست من گذاشت و فرمود: «مواظب مادرت باش». من حاضر نیستم به هیچ قیمتی مادرم را ناراحت کنم. گفتم: چرا قبل از صدور حکم نمایندگی توسط مقام معظم رهبری، مادرتان عدم رضایت خود را اعلام نکرد؟ فرمود: مرسوم نبود که در این طور کارها از مادر اجازه بگیریم. پس از صدور حکم، همین چند روز قبل، وقتی مادرم مطلع شد، مرا خواست و عدم رضایت خود را اعلام کرد.

گفتم: علت عدم رضایت ایشان چیست؟ فرمود: می‌ترسد برای من حادثه‌ای پیش بیاید... ایشان پس از امام، بسیار در رنج است و مرتب دارو مصرف می‌کند. به هر حال من نتوانستم او را برای انصراف از استعفا قانع کنم، ولی خود قانع شدم که انگیزه ایشان در استعفا چیزی جز عدم رضایت مادر نبود و شایعاتی که احياناً مطرح می‌شد که انگیزه ایشان چیزی دیگر است، اساسی نداشت.

**معرفی این جانب به عنوان سرپرست حجاج**

چند روز پس از مذاکرات، ریاست

## قرار با حاج احمد آقا خمینی

بنابر این شد که فردای آن روز حاج احمد آقا و این جانب در دفتر رهبری جلسه‌ای داشته باشیم و کار، تحویل من شود.

ساعت ۹/۳۰ صبح روز یکشنبه به دفتر رهبری رفتم. حاج احمد آقا تنها آمده بودند. گفتم: «دیگران (سایر مسؤولان حج) چرا نیامدند؟» گفتند: «دیگران را پیدا نکردیم». البته حضور دیگران ضرورتی هم نداشت؛ چون کار چندانی انجام نشده بود.

نخستین سؤالی که از حاج احمد آقا کردم، درباره علت و انگیزه استعفا بود. گفتگوی من با ایشان، حدود دو ساعت طول کشید. هر چه تلاش کردم که ایشان استعفای خود را پس بگیرد، موفق نشدم.

به ایشان گفتم: مگر شما نمی‌گفتی هر چه مقام معظم رهبری بگوید، بی‌چون و چرا انجام می‌دهم، حتی اگر بگوید: «سر فلانی را بپُر»، حالا - به قول معروف هنوز مرکب قلم ایشان خشک نشده - شما استعفا می‌دهید؟ این کار درستی نیست! حاج احمد آقا گفت: الان هم اگر امر کنند انجام می‌دهم. گفتم: من از ایشان خواهم خواست که امر کنند. حاج احمد آقا فرمود: این کار را نکنید، چون اگر در اطاعت از ایشان،

مختلف زندگی و حوادثی که برای او پیش می‌آید، چگونگی مقدرات الهی را در برخورد با خود، پیش‌بینی کند. تجربه من این است که اگر کسی کاری را بر مبنای تکلیف بپذیرد، خداوند متعال نه تنها به او کمک می‌کند، بلکه فراتر از توانی که برای انجام آن ضرورت دارد نیز به او عنایت می‌فرماید. بر این اساس، با اینکه کارشناسان حج از انجام حجی آبرومند و در شأن نظام اسلامی ناامید بودند، در عمق جان احساس آرامش می‌کردم و به فضل و عنایت الهی امیدوار بودم؛ لیکن در عین حال، احساس سنگینی این مسئولیت و افکار مختلفی که از هر سو مرا در محاصره داشت، تا چند روز خواب راحت را از من سلب کرد.

محترم دفتر مقام معظم رهبری، آقای محمدی گلپایگانی، با حضور در ساختمان سازمان حج و زیارت<sup>۵</sup> مرا به عنوان مسئول بعثه رهبری معرفی نمود؛ بدون اینکه حکمی از طرف مقام معظم رهبری به نام من صادر شود. و بدین ترتیب، کار من در سازماندهی بعثه رهبری، به طور غیر رسمی آغاز شد.

### دغدغه برگزاری حجی آبرومند

دوستی که خدای او را قرین رحمتش فرماید، می‌گفت: «خوب است همان طور که خداوند بنده‌اش را آزمایش می‌کند، بنده نیز خدای خود را امتحان کند!» و مقصودش این بود که انسان می‌تواند در مراحل

### ● پانوشتها:

۱ - یوسف: ۱۱۱

- ۲ - در فرصتی دیگر باید توضیح دهم که بسیاری از مسئولیت‌های این جانب بدین ترتیب بوده است.
- ۳ - اشاره است به روایاتی بدین مضمون که فرشتگان برای لقمان پیشنهاد نبوت آوردند، او پرسید: پیشنهاد است یا تکلیف؟ گفتند پیشنهاد. او نپذیرفت. از او درباره علت نپذیرفتن نبوت سؤال کردند، پاسخ داد اگر تکلیف باشد، کمک الهی را به دنبال دارد و اگر پیشنهاد باشد، خود شخصاً باید از عهده آن برآیم. بعدها که پیامبر معاصر لقمان، حضرت داوود علیه السلام گرفتار ترک اولی شد، حکمت لقمان را در این موضوع، شنید.
- ۴ - اسرا: ۷۱
- ۵ - آن موقع، ساختمان فعلی سازمان آماده نبود و سازمان حج و زیارت در ساختمانی که از اوقاف اجاره شده بود و در خیابان نوفل لوشاتو (فرانسه سابق) قرار داشت، مستقر بود.